

# از اربعین تا ظهور

نگاهی به جایگاه اربعین در تحقق ظهور

سید یدالله یزدان پناه



مؤسسه آموزش پژوهشی  
نفعات



انتشارات  
آل احمد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



نگاهی به جایگاه اربعین در تحقق ظهور

سید یدالله یزدان پناه

تدوین: مهدی صداقت

## سخن آغازین

در این گفتار<sup>۱</sup> بحثی در مورد اربعین و نسبت آن با ظهور عرضه خواهد شد. این بحث از یک سو جزو مباحث فلسفه تاریخ اسلامی و از سوی دیگر جزو بحث سنت‌های الهی است و از سوی سوم در نظام تکوین، ذیل بحث کلان‌تری با عنوان «رحمتِ جهت‌دار الهی» قرار می‌گیرد. افزون بر آنچه گفته شد، این بحث یک نوع تفسیر، تحلیل و بررسی از حرکت غیبت تا ظهور را ارائه داده و تلاش می‌کند به واقع و حقیقت آن دست یابد. در این گفتار عمدتاً این اندیشه مطرح خواهد شد که جریان اربعین با حالت و فضای کنونی‌اش، به عنوان یکی از مقدمات پیوسته به ظهور حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

<sup>۱</sup> این گفتار در مهرماه سال ۱۳۹۸ و در آستانه اربعین سال ۱۴۴۱ هـ. ق ارائه گردیده است.

فهرست

- ۲..... سخن آغازین
- ۵..... نگاهی به سنت‌های الهی حاکم بر جریان حق
- ۵..... سنت غلبه حق بر باطل بر اساس رحمت‌دار الهی
- ۵..... تدریجی بودن سنت غلبه حق بر باطل
- ۶..... سنت بشارت
- ۷..... نگاهی تاریخی به جریان ولایت پس از رسول‌الله ﷺ
- ۸..... مرحله مندی غیبت معصومین علیهم‌السلام
- ۱۱..... جریان تدریجی زایش‌های شیعی بعد از عصر غیبت صغری
- ۱۲..... رونق جدید در اندیشه‌های شیعی بعد از شکل‌گیری عرفان نظری
- ۱۳..... عصر صفویه و هویت‌یابی جامعه شیعی در نبود حاکمیت شیعی
- ۱۴..... انقلاب اسلامی و زایش نوین شیعی
- ۱۶..... جلوه‌هایی از زایش نوین شیعی در بستر انقلاب اسلامی ایران
- ۱۷..... زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای بسط جریان حق
- ۱۹..... نگاهی کلان به حرکت اربعین
- ۱۹..... اربعین، زایش جدید شیعی و زمینه متصل به عصر ظهور
- ۲۱..... اربعین حسینی؛ تمرین سربازی در قیام مهدوی
- ۲۲..... مراحل و اتفاقات بعدی در امتداد حرکت اربعین
- ۲۳..... لزوم جهانی‌سازی جریان اربعین، خلأها و کاستی‌ها در این مسیر

تعطیلی هدفمند و هوشمندانه حوزه‌های علمیه ..... ۲۴

## نگاهی به سنت‌های الهی حاکم بر جریان حق

### سنت غلبه حق بر باطل بر اساس رحمت جهت‌دار الهی

بر اساس بیانات قرآن کریم، نظام عالم این‌گونه است که حق و باطل را به هم در می‌آمیزد و حق آهسته‌آهسته بر باطل غلبه می‌کند و خودش را به منصفه ظهور می‌رساند: ﴿بَلْ نَقْدِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ﴾<sup>۱</sup>. به دیگر بیان، سنت الهی این‌گونه است که موجب می‌شود باطل از بین برود و حق باقی بماند. این سنت الهی، ریشه در رحمت جهت‌دار الهی دارد؛ به این معنا که رحمت رحمانیه از همان آغاز به وسیلهٔ رحمت رحیمیه سمت‌وسوی ویژه‌ای دارد. در واقع در نظام تکوین، خداوند سبحان در عین آن‌که همه را با رحمت رحمانیه خود پدید می‌آورد، اما به حسب رحمت رحیمیه‌اش، همیشه جهت خیر را غلبه می‌دهد و در عالم همواره جهت خیر، پیروز و غالب است. این اندیشه، یک پایهٔ بحث کنونی است.

<sup>۱</sup> ... ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد و این‌گونه، باطل محو و نابود می‌شود (انبیاء/۱۸).

### تدریجی بودن سنت غلبه حق بر باطل

یک پایه دیگر در این بحث، «سنت تدریج» است؛ به این معنا که پیروزی حق بر باطل به صورت تدریجی است. همچنان که در سنت الهی وقتی قرار است حرکت جهانی نهایی پیش بیاید، این حرکت نیز به طور تدریجی در طول زمان محقق خواهد شد و نه یکباره! بنابراین حرکت جهانی نهایی که همان حکومت جهانی و الهی حضرت حجت سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ است، در یک روند تدریجی محقق خواهد شد و بدین سان آرزوی تمام انبیا و اولیا به ثمر خواهد نشست.

### سنت بشارت

از سوی دیگر پایه سوم در این بحث، «سنت بشارت» است؛ به این معنا که همیشه در طول تاریخ، آینده خیر توسط انبیا بشارت داده می‌شد. به عنوان نمونه، انبیای سابق همواره مژده آمدن انبیای بعدی را می‌داده‌اند. با آمدن رسول الله سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ نیز مژده ظهور حضرت حجت سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ داده شد؛ اما در عین حال به دلیل آماده نبودن زمینه‌ها، این امر باید به تدریج به عرصه ظهور برسد. از این رو هرچند از یک جهت مسئله ولایت و بسط این اندیشه توسط رسول الله سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ خود پایه‌ای برای بحث‌های ظهور و حاکمیت جهانی حق است، اما این امر باید با فراهم آمدن زمینه مناسب در بستر تدریجی غلبه حق بر باطل همراه شود تا بتواند به بروز و ظهور حقیقی خود برسد.

## نگاهی تاریخی به جریان ولایت پس از رسول الله ﷺ

مسئله ولایت، بعد از رسول الله ﷺ آهسته آهسته به سوی محاق می رود و کم فروغ می شود تا به زمان شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام برسد. این امر نشان می دهد که هنوز آمادگی لازم در امت برای بسط و بروز بیشتر این مسئله وجود ندارد.

هر چند با شهادت اباعبدالله علیه السلام باطل به اوج خود می رسد، اما سنت الهی این است که هر جا باطل اوج پیدا می کند، همان اوج، زمینه ساز حذف باطل یا کم فروغ شدنش می شود. این نکته موجب شد بعد از زمانه اباعبدالله علیه السلام و اوج گیری جریان باطل، یعنی از زمان امام سجاد علیه السلام تا زمان امام باقر علیه السلام اندک اندک وضعیت به نفع جریان حق تغییر پیدا کند. این رشد و بالا آمدن جریان حق، در زمان امام صادق علیه السلام به اوج خود می رسد و گویا نزدیک است که حاکمیت دینی الهی پدید آید، اما هنوز زمینه ها آماده نیست. امام صادق علیه السلام در برخی از بیان های خود به این مطلب اشاره نموده و فرموده اند که هنوز زمان آن (حکومت) فرا نرسیده است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> به عنوان نمونه امام صادق علیه السلام در پاسخ به ابومسلم فرمودند: «ما أنت من رجالي ولا الزمان زمانی»؛ نه تو از یاران منی و نه زمانه، زمانه من. (نک: مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان،



بعد از امام صادق علیه السلام این روند ادامه پیدا می‌کند و اوج می‌گیرد تا به زمان امام کاظم علیه السلام می‌رسد که در دوره ایشان، اندیشه وکالت در حال بسط پیدا کردن است. جریان ولایت، بعد از آن به دوران امام رضا علیه السلام می‌رسد که اوجش به شکل ولی‌عهدی درآمده است، ولی باز ولایت‌عهدی، آن حاکمیت الهی مطلوب نیست و لذا امام رضا علیه السلام آن را نمی‌پذیرند. طرح مسئله ولایت‌عهدی در زمان امام رضا علیه السلام نشان می‌دهد یک طلب و تشنگی اجتماعی پدید آمده است و آهسته‌آهسته مردم آماده شده‌اند. اساساً عباسیان هم در ظاهر با همین ادعا به میدان آمدند و رشد کردند که مردی از آل رسول صلی الله علیه و آله باید بیاید، ولی به تدریج جهت را به سمت اهداف خود تغییر دادند.

بنابراین بعد از شهادت اباعبدالله علیه السلام به برکت ایشان، حرکت‌های متعددی در رویارویی با باطل به راه افتاد و اساساً از منظر سنت الهی تاریخی این حرکت‌ها می‌بایست رخ می‌داد.

در هر حال جریان درگیری حق و باطل بعد از امام رضا علیه السلام ادامه دارد تا به جایی می‌رسد که باز، شرایط حضور حق در جامعه فراهم نیست و اساساً این آمادگی به حدی کاهش یافته که حضور امام در جامعه نیز با مشکلاتی روبرو شده است. لذا در این دوران، زمینه غیبت به شکل تدریجی آماده می‌شود.

### مرحله مندی غیبت معصومین علیهم السلام

هجمه جریان باطل بر علیه حق، بعد از امام رضا علیه السلام آهسته‌آهسته بیشتر می‌شود. در نتیجه در چنین بستری، هنوز زمینه مناسب برای ظهور حکومت جهانی فراهم نیست و امامت می‌بایست دوباره در محاق برود تا

زمینه برای حکومت جهانی آماده شود. روند به محاق رفتن جریان امامت و غیبت حضرت حجت علیه السلام نیز بر اساس سنت تدریج رخ خواهد داد. از دوره امام جواد علیه السلام زمینه غیبت به آرامی فراهم می شود. برای اینکه غیبت در بستر اجتماعی برای شیعه به درستی هضم شود و شیعیان بتوانند از نظر تاریخی با آن به درستی کنار بیایند، این غیبت به حسب سنت تدریجی در مراحل در خود داشته است. بنابراین زمینه غیبت امام زمان علیه السلام با دوره امامت امام جواد علیه السلام با یک شکل ویژه آغاز می شود. در این بستر، اولین مسئله ای که جامعه شیعی باید برای آن آماده شود، این است که غیبت امام زمان علیه السلام باید در ایام کودکی ایشان صورت گیرد، چراکه به حسب فضای سیاسی اجتماعی چاره ای جز این نیست و ایشان باید زود پنهان شود. از این رو شیعه باید امامت امام در ایام کودکی را هضم کند. این امر با دوران امامت امام جواد علیه السلام شروع می شود و در امام هادی علیه السلام نیز باز همین تجربه تکرار می شود و ایشان نیز در ایام کودکی به امامت می رسند.

حضور امام جواد علیه السلام در ایام کودکی در جلساتی که مامون لعنة الله علیه ترتیب داده بود، این امر را برای شیعیان به شکل اجتماعی واضح ساخت که حجت خدا در دوران کودکی چگونه به همه علوم اشراف دارد و از چه منزلت معنوی و علمی بالایی برخوردار است. هر چند این امر برای برخی از خواص شیعیان معلوم بود، اما بروز اجتماعی و عمومی آن در این دوران رخ داد و از این به بعد، اندیشه علم امام برای جهان شیعی به تدریج وضوح می یابد. بدین سان در زمان امامت امام هادی علیه السلام یک زمینه از زمینه های غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف فراهم شد.

در ادامه در زمان امام هادی علیه السلام علاوه بر امامت در دوران کودکی، زمینه دیگری برای غیبت ایجاد شد و آن فاصله افتادن میان جامعه شیعی با امام است. این فاصله به دلیل کاهش امکان ارتباط گیری مردم با امام پدید آمده بود؛ چرا که حکومت، حضرت هادی علیه السلام را در حصر قرار داده بود. از منظر سنن الهی، این آمادگی می بایست به تدریج ایجاد می شد؛ چرا که اگر غیبت امام در جامعه شیعی به صورت دفعی رخ می داد، یک خلأ و انقطاع اجتماعی پدید می آمد و در سنت الهی، حق، هرگز چنین نخواهد شد؛ حق اگر به محاق هم می رود، باید به گونه ای باشد که اصل حقیقت آن باقی و روشن بماند. لذا در دوره امام جواد علیه السلام یک مرحله از آمادگی شیعه برای غیبت حاصل شد و در مرحله بعد در زمان امام هادی علیه السلام غیبت ایشان به شکلی است که ارتباطشان با شیعیان به حداقل می رسد؛ اما در عین حال، امام حاضر است و شیعیان ایام کودکی اش را هم دیده اند.

جامعه شیعی با این دو تجربه برای عصر غیبت آمادگی پیدا کرد و با همین زمینه به دوران امام عسکری علیه السلام وارد شد. در آن زمان، امام عسکری علیه السلام در عسکر و تحت مراقبت بودند؛ یعنی ارتباط با امام در این دوره باز محدودتر از قبل شده بود. این امر خود، بستری اجتماعی است که شیعیان در آن، آهسته آهسته آماده دوران غیبت می شوند؛ چرا که از سویی امام در میان شان هست و از سوی دیگر نیست. این روند ادامه دارد تا به دوران امام زمان علیه السلام می رسد. در این زمان، جز عده ای اندک، کسی از شیعیان امام را حتی در کودکی نیز ندیده است. بدین سان مسئله غیبت ایشان مطرح می شود.

در خود جریان غیبت نیز تدریج رعایت می‌شود و غیبت به دو صورت غیبت صغری و کبری مطرح می‌شود. در غیبت صغری حضرت نوابی دارد که از طریق آن‌ها هنوز ارتباط با جامعه شیعی برقرار است تا آمادگی نهایی برای غیبت کبری ایجاد شود؛ اما در غیبت کبری، دیگر ارتباط با حضرت حتی با واسطه نواب نیز وجود ندارد. بدین سان جامعه شیعی با تلاش‌های امامان معصوم علیهم‌السلام با تجربه‌ای اندوخته از دوران امام جواد علیه‌السلام تا زمان حضرت حجت عنه‌الله‌تعالی وارد عصر جدیدی می‌شود.

### جریان تدریجی زایش‌های شیعی بعد از عصر غیبت صغری

با غیبت کبری، به محاق رفتن جریان حق و امامت اوج دوباره‌ای می‌گیرد. اوج اول در شهادت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام رخ می‌دهد و اوج دوم در این دوره. در این‌جا نیز همان سنت الهی که در نقطه اوج اول مطرح بود، حاکم است و باعث می‌شود از همین نقطه اوج غیبت، جوانه‌هایی برای زایش ظهور رویدن گیرد. توضیح آن‌که در زمانه غیبت کبری، هرچند همه شیعیان این احساس را دارند که امام دل‌ها را می‌خواند و همه جا حاضر است، اما زمینه برقراری ارتباط مستقیم با امام فراهم نبوده و امام در میان امت حاضر نیست. در چنین شرایطی، با تدبیر خود امامان علیهم‌السلام عملاً هدایت و راهبری جامعه به سمت عالمان دینی و تشکیل حوزه‌های شیعی جهت‌دهی می‌شود. بدین سان حوزه‌های علمیه در جامعه شیعه با تلاش‌های عالمان شیعی پدید می‌آید. در اوایل عصر غیبت کبری، هرچند حوزه‌ها و عالمان شیعی فعالیت جدی دارند، اما بسط اجتماعی و حاکمیتی چندانی وجود ندارد.

در ادامه و در زمان آل بویه شیعه برای خود هویت ویژه‌ای پیدا می‌کند. از این رو فضای اجتماعی جامعه شیعی، حرکت‌های جدی‌تری به خود می‌بیند و بسط نسبتاً بیشتری نیز پیدا می‌کند. به عنوان نمونه در این دوران مسئله عزاداری عاشورا و دسته‌روی برای آن، بروز اجتماعی می‌یابد.<sup>۱</sup> شکل‌گیری حوزه‌های شیعی و راهبری اجتماعی عالمان شیعه همراه با آنچه در حکومت آل بویه روی داد، خود اولین فروغ از نور ظهور است و این‌گونه اولین زمینه‌های ظهور شکوفا می‌شود.

### رونق جدید در اندیشه‌های شیعی بعد از شکل‌گیری عرفان نظری

بعد از این مرحله، با پدیدآیی دانش عرفان نظری در قرن هفتم به وسیله ابن عربی، زایش دیگری رخ می‌دهد. با مطرح شدن این دانش، اندیشه‌های شیعی و فهم فرهیختگان آن، در باب موضوعاتی همچون امامت و نصب الهی، حجت خدا و واسطه فیض الهی، رنگ و رونق جدیدی به خود می‌گیرد. نخبگانی همچون ابن عربی، شاگردان و تابعان او، به تدریج فضای فرهیختگانی را تحت تأثیر خود قرار داده، بلکه به خود اختصاص می‌دهند.

در ادامه، این جریان اندیشگانی خود را به مکتب شیراز و شخصیت‌هایی مانند محقق دوانی می‌کشاند و بعد از آن به صدرالمتألهین می‌رسد. وی علاوه بر تأسیس دستگاه فلسفی جدید،

<sup>۱</sup> به عنوان نمونه ابن اثیر در الکامل خود در حوادث سال ۳۵۲ هـ.ق چنین آورده است: «در دهم محرم سال جاری معزالدوله به مردم دستور داد که دکان‌ها و اماکن کسب را ببندند و تعطیل کنند و سوگواری نمایند و قباهای سیاه مخصوص عزا بپوشند و ... و ندبه حسین بن علی علیه السلام بخوانند» (به نقل از: اصغر فروغی، ایرانیان و عزاداری عاشورا، ص ۳۸).

تحولی شگرف در فهم متون دینی و به تبع، در فهم اندیشه‌های بنیادین شیعی پدید می‌آورد. توضیح تفصیلی درباره این دوره، مجال دیگری می‌طلبد.

### عصر صفویه و هویت‌یابی جامعه شیعی در نبود حاکمیت شیعی

بعد از این زمینه‌سازی، نوبت به مرحله بعدی می‌رسد و آن شکل‌گیری حکومت صفویه است. در عصر صفویه هرچند جامعه شیعی هویت مستقل پیدا می‌کند، اما هنوز حکومت شیعی وجود ندارد. به دیگر بیان، در این دوره تقریباً فروغ‌های جدید و زمینه‌هایی خوش برای ظهور پدیدار شد. به عنوان نمونه، از یک سو شاه با عنوان شیعی رسمیت یافت و از سوی دیگر جامعه متشکل شیعی به وجود آمد؛ اما هنوز فقیه حاکم شیعی پدید نیامده است؛ آن حاکمیت و ولایت بر پایه فقه که بازتاب و جلوه امامت در صحنه غیبت امام است و روح اندیشه و دستور امامان در آن نمایان‌تر است.

لازم به ذکر است در همین مقطع زمانی گزارش‌هایی تاریخی در باب محقق کرکی وجود دارد که نشان از وجود رگه‌هایی از این اندیشه و امتداد عملی آن دارد؛ اما واقعیت آن است که هنوز جامعه شیعی با تحقق جدی این اندیشه فاصله‌ای آشکار دارد.

در این عصر، ایران قدیم به یک جامعه متشکل و مسلط شیعی تبدیل می‌شود و این خود یکی دیگر از زایش‌های عصر غیبت و از مقدمه‌های تحقق ظهور است. شایان ذکر است هرچند پدیدآیی حکومت صفوی شرایط را برای ظهور آماده‌تر ساخت، اما این آمادگی در حدی نبود که در این زمان حضرت حجت عجله الله فرجه قیام نمایند؛ چراکه در آن زمان مردم تنها

توانسته‌اند هویت شیعی‌شان را پیدا کنند و جامعه شیعی شکل گرفته است. به بیان دیگر، هنوز آن زمینه‌های نهایی فراهم نیست و توان تشکیل حکومت جهانی شیعی وجود ندارد؛ چراکه آن حکومت، ابزارهای جهانی و شرایط ویژه متناسب با آن را می‌طلبد.

علاوه بر این، با توجه به آنچه گفته شد روشن می‌شود که در این عصر، تحقق شرایط و زمینه‌ها حتی به گونه‌ای نبود که بتوان آن را به عنوان مقدمه متصل و پیوسته به ظهور به حساب آورد.

در هر حال عصر صفویه به لحاظ فلسفه تاریخ اسلامی زایش مهمی بود که بر اساس سنت‌های الهی پیش‌گفته به وقوع پیوست و البته این زایش خود در ادامه، زایش‌هایی ویژه دیگری را نیز در پی داشت. این دوران در ادامه موجب شد جامعه شیعی ایرانی شکل گرفته و هویت پیدا کند. آنچه در روایات آمده که گروهی از مردم از ناحیه شرق برای قیام امام زمان عجل الله فرجه و ظهور ایشان زمینه‌سازی می‌نمایند،<sup>۱</sup> به همین زایش‌های بعدی عصر صفویه، اشاره می‌کند.

با این توضیحات روشن شد که عصر صفوی در ادامه خود، زایش‌های نوین و فروغ‌های بعدی زمینه‌ساز ظهور را در پی دارد. در این امتداد تاریخی، اینک نوبت به عصر انقلاب اسلامی می‌رسد.

## انقلاب اسلامی و زایش نوین شیعی

مرحله بعدی تاریخی در سیر زمینه‌ها و مقدمات ظهور، وقوع انقلاب اسلامی در ایران است. در مورد انقلاب اسلامی باید به روایاتی که در این زمینه است توجه شود؛ یک حکومت شیعی تشکیل می‌شود و تا زمان

<sup>۱</sup> در ادامه به برخی از این روایات اشاره خواهد شد.



ظهور ادامه پیدا می‌کند و زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت ع‌الیه‌السلام خواهد شد.<sup>۱</sup> در این مرحله است که می‌توان گفت غلبه حق بر باطل و اندیشه امامت ظهور بیشتری یافته و بر اساس دستوراتی که اهل بیت ع‌الیه‌السلام در این زمینه داده‌اند، به «فقیه حاکم» تبدیل شده است؛ یعنی زمینه نزدیک شدن به اندیشه‌های اهل بیت ع‌الیه‌السلام در این جا بیشتر شده است. در ادامه و بعد از انقلاب، امری نمایان می‌شود که به راحتی می‌توان گفت از مقدمات نزدیک ظهور است.

اکنون هویت و جامعه شیعی موجود، به تدریج خود را تقویت می‌کند. این امر در جامعه ایران علائمی داشته است؛ حاکمیت، ساختارها و...

<sup>۱</sup> به عنوان نمونه دو روایت از این روایات را آورده‌ایم:

- [البَابُ الْخَامِسُ فِي ذِكْرِ نُصْرَةِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ لِلْمَهْدِيِّ ع عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ جَزْءِ الرَّبِيعِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَخْرُجُ أَنَا مِنْ الْمَشْرِقِ فَيُوطِئُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ...؛ رسول خدا ص فرمودند: مردمی از سمت مشرق ظاهر می‌شوند که زمینه‌سازی برای حکومت مهدی ع‌الیه‌السلام می‌نمایند (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۷).

- [الغیبة للنعمانی] ابْنُ عُقْدَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ يَحْيَى بْنِ سَامٍ عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَاثِلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطُونَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتْلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لِأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ امام باقر ع‌الیه‌السلام فرمودند: گویا گروهی را می‌بینم که از سمت مشرق خروج کرده‌اند و جویای حق هستند، ولی به آن‌ها داده نمی‌شود، دوباره آن را طلب می‌کنند و در این بار نیز به آن‌ها داده نمی‌شود. وقتی می‌بینند شرایط این‌گونه است شمشیرهایشان را بر دوش‌هایشان می‌گذارند و در این حال آن‌چه را خواسته‌اند به آن‌ها داده می‌شود؛ اما آن‌را قبول نمی‌کنند تا اینکه قیام می‌کنند و آن را تنها به صاحب و مولای شما می‌دهند. کشته‌های آن‌ها شهیدند. اگر من آن زمان را درک کنم جانم را برای صاحب این امر (ولایت) حفظ خواهم کرد (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳، باب ۲۵).

برای مطالعه بیشتر بنگرید به: علی کورانی، عصر ظهور، ص ۲۱۵ به بعد.



در حد و اندازه خود پیش رفت و تکامل پیدا کرد، ولی در عین حال هنوز نقائصی وجود دارد و این ساختارها هنوز ساختارهای نهایی نیستند. هنوز باید تلاش عالمانه فراوانی در این زمینه صورت گیرد و انتقال به صحنه اجتماع باید بیشتر از این باشد.

### جلوه‌هایی از زایش نوین شیعی در بستر انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی که خود زایشی مهم بود، در دل خویش زایش‌های مضاعف و نوینی را به بار آورد. به عنوان نمونه فضا‌هایی همچون دعای کمیل، دعای عرفه و حج فراگیر و تثبیت شد؛ حرکت‌های اجتماعی شیعی مثل عید فطر و عید قربان در جایگاه درست خود قرار گرفت؛ مسأله اعتکاف همگانی شد. همه این‌ها در کنار هم، هویت جامعه با اندیشه‌های شیعی و با مجموعه‌های تقویت‌کننده فضای شیعی را به نوعی سامان داد. در این میان نقش حوزه علمیه قم نیز در تقویت و ارتقای هویت و اندیشه شیعی بسیار جدی و چشمگیر بود و از این‌روست که در روایات هم به حوزه علمیه قم اشاره شده است.<sup>۱</sup>

۱ وَرُويَ بِأَسَانِيدٍ عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ ذَكَرَ كُوفَةَ وَ قَالَ سَتَخْلُو كُوفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْزُرُ [يَأْرُزُ] عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ [تَأْرُزُ] الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبَلَدِهِ يُقَالُ لَهَا قُمْ وَ تَصِيْرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُعْخَذَرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبَقْ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيُفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينَ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ ع؛ امام صادق (ع) فرمودند: به زودی کوفه از مؤمنان تهی خواهد گشت و علم از آن رخت برخواهد بست، همانند ماری که در سوراخش پنهان می‌شود. آن‌گاه علم در شهری به نام قم آشکار خواهد شد و این شهر معدن علم و فضل می‌شود، تا آن‌جا که بر روی کره زمین کسی نمی‌ماند که در دین ضعیف و ناتوان باشد حتی زنان پرده‌نشین؛ و این [واقعه] نزدیک ظهور قائم ماست. خداوند، قم و مردم آن را جانشین مقام حجت قرار می‌دهد. اگر چنین نبود هر آینه زمین اهل خود را فرو می‌بلعید و در روی زمین

## زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای بسط جریان حق و زایش حرکت

### اربعین

از این پس و بعد از انقلاب با زایش‌های درونی متعدد، این زایش‌ها و زمینه‌سازی‌ها به تدریج بسط و گسترش می‌یابد و حتی از حیطة جغرافیایی ایران فراتر می‌رود و جریان‌های همسوی دیگری را در نقاطی محوری پدید می‌آورد؛ جریان لبنان، حرکت شیعی در عراق و مسئله جنگ در سوریه در همین زمینه معنادار می‌شود. اخیراً در خود سوریه یک نوع جنگ حق با باطل روی داده است که سپاه شیعی چندین کشور در آن حضور جدی دارند و این خود، یک نوع هویت شیعی زمینه‌ساز برای حرکت حضرت مهدی علیه السلام است که در آن جا جلوه‌ای پیدا کرده است.

در چند سال اخیر نیز جلوه جدیدی از هویت شیعی با راهبری و هدایت رهبر معظم انقلاب الله در فضای اربعین به راه افتاد. جریان اربعین قبل‌تر از سوی عالمان دینی از حدود صد تا دو‌یست سال پیش شروع شده و به تدریج فرهنگ ویژه‌ای را در بین عراقی‌ها پدید آورده بود و جذابیت ویژه‌ای نیز داشت. با هدایت‌های رهبر معظم انقلاب الله شیعیان ایران هم به شیعیان عراق ملحق شدند و این امر خود، یک حرکت جهانی دیگری را رقم زده است که اتفاقاً به علائم ظهور خیلی نزدیک‌تر است و به نظر می‌رسد از علائم متصل به ظهور باشد؛ زیرا آن جمعیت شیعی جهانی که باید به دنبال امام علیه السلام حرکت کنند، در اربعین پدید آمده است. این جریان به نوعی تمرین و ایجاد آمادگی برای حرکت جهانی شیعی و نیز دیگر

حجتی باقی نمی‌ماند. علم از این شهر به شهرهای دیگر در شرق و غرب عالم سرازیر می‌شود و بدین سان حجت خدا بر بندگانش تمام می‌شود، چندان که در کره خاک کسی نمی‌ماند که دین و دانش او نرسیده باشد، سپس قائم علیه السلام ظهور می‌کند (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳).

حق جوینان عالم به تبع امام زمان علیه السلام در راستای رویارویی حق با باطل و پیروزی جهانی حق بر باطل است.

این حرکت نیز خود، برخاسته از آن قیام تاریخی و الهی اباعبدالله علیه السلام است. هرچند دورانی که اباعبدالله علیه السلام بنا به وظیفه مجبور شد قیام نماید، در ظاهر یک نوع محاق و کم فروغی جریان امامت بود، اما در حقیقت خود، زمینه ساز زایش جدیدی شد. شخصیت اباعبدالله علیه السلام و جریان اربعین در این زمانه نیز با امتداد تاریخی خود به فریاد شیعه و دیگر حق جوینان عالم رسید و یک حرکت اجتماعی گسترده و جهانی را پدید آورد.

## نگاهی کلان به حرکت اربعین

### اربعین، زایش جدید شیعی و زمینه متصل به عصر ظهور

انسان با تأمل در جریان‌های گذشته و فضای کنونی حرکت اربعین، چنین احساس می‌کند که این حرکت اجتماعی، بسیار اثرگذار و جدی است و برای حرکت اجتماعی جهانی شیعیان بسیار هویت‌ساز؛ زیرا آنچه در باب قیام جهانی شیعیان و حق جویان در پی حضرت حجت ع‌الیه‌السلام در آن مصاف جهانی در روایات گفته شده است، با جریان اربعین در ذهن و فاهمه شیعیان حاصل می‌شود و سنت تدریج در این جا، اربعین را تمرینی برای آن آوردگاه جهانی قرار داده است. بحث‌هایی که از گذشته در مورد نقش ایران در زمینه‌سازی ظهور می‌شد، اکنون رنگ جدیدی گرفته است؛ به این معنا که اکنون این زمینه ظهور خیلی جدی‌تر و نزدیک‌تر شده است. این امر خود، یک هویت جهانی شیعی را رقم می‌زند و به نظر می‌رسد یکی از زمینه‌های متصل به قیام حضرت حجت ع‌الیه‌السلام باشد. اخیراً در بیانات رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام نیز به حرکت اربعین و نقش آن در تحقق تمدن نوین اسلامی اشاره شد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> «... مطلب دوم در مورد اصل این راه‌پیمایی اربعین است که حقیقتاً یک حادثه بی‌نظیری است؛ ما نه فقط در دوران خودمان در دنیا، بلکه در تاریخ هم سراغ نداریم یک چنین اجتماعی، یک چنین حرکتی را هر سال، و هر سال گرم‌تر از سال قبل اتفاق بیفتد؛ بی‌نظیر است. این حرکت حسینی در گسترش معرفت به امام حسین ع‌الیه‌السلام نقش دارد.

اگر آنچه تاکنون گفته شد، مد نظر قرار گیرد، این نگاه پدید خواهد آمد که اینک آمادگی مردم برای حرکت اجتماعی به تبع حضرت حجت ع‌ع و ظهور ایشان فراهم شده است و از این جهت می‌توان گفت زمینه‌های وابسته و بلکه پیوسته به ظهور حضرت حجت ع‌ع اکنون پدیدار شده

اربعین با این حرکتی که عمدتاً بین نجف و کربلا در راه پیمایی هر سال به وجود می‌آید، بین‌المللی شد؛ چشم‌های مردم دنیا به این حرکت دوخته شد؛ امام حسین ع‌ع و معرفت حسینی به برکت این حرکت عظیم مردمی بین‌المللی شد، جهانی شد... اربعین جهانی شد و جهانی‌تر هم خواهد شد؛ این خون حسین بن علی است که بعد از ۱۴۰۰ سال دارد می‌جوشد و روزبه‌روز تازه‌تر می‌شود، روزبه‌روز زنده‌تر می‌شود؛ این همان پیام عاشورا است که از حلقوم اباعبدالله ع‌ع و حلقوم زینب کبری ع‌ع در نهایت غربت و تنهایی صادر شد و امروز فضای عالم را فرا گرفته است و فرامی‌گیرد... و این رشته ادامه خواهد داشت ان‌شاءالله؛ این یک آیت عظمایی است که خدای متعال دارد نشان می‌دهد. در روزگاری که دشمنان اسلام و دشمنان امت اسلامی با انواع و اقسام ابزارها و وسایل، با پول، با سیاست، با سلاح علیه امت اسلامی دارند کار می‌کنند، خداوند متعال ناگهان حادثه راه‌پیمایی اربعین را این جور عظمت می‌دهد، این جور جلوه می‌دهد. این آیت عظمای الهی است، این نشانه اراده الهی بر نصرت امت اسلامی است... مطلب سوم... این است که این مراسم را هر چه می‌توانید و هر چه می‌توانیم، باید پُربارتر و معنوی‌تر کنیم؛ معنا و مضمون این مراسم را باید روزبه‌روز بیشتر کنیم... امروز هدف هر مسلمان باید ایجاد تمدن اسلامی نوین باشد؛ ما امروز این را می‌خواهیم. ملت‌های اسلامی ظرفیت‌های عظیمی دارند که اگر از این ظرفیت‌ها استفاده شود، امت اسلامی به اوج عزت خواهد رسید؛ ما باید به این بیندیشیم، به این فکر کنیم؛ ایجاد تمدن عظیم اسلامی، هدف نهایی ما است... اگر ظرفیت‌های کشورهای اسلامی - ظرفیت عراق، ظرفیت ایران، ظرفیت کشورهای دیگر منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا - بر روی هم مجتمع بشود، اگر این ظرفیت‌ها به هم برسند، این دست‌ها در هم گره بخورند، آن وقت امت اسلامی نشان خواهد داد که عزت الهی یعنی چه؛ تمدن عظیم اسلامی را به جوامع عالم نشان خواهند داد؛ باید هدف ما این باشد و این راه‌پیمایی اربعین می‌تواند یک وسیله‌گویی برای تحقق این هدف باشد» (بیانات رهبر معظم انقلاب ع‌ع در دیدار جمعی از موکب‌داران عراقی، ۱۳۹۸/۶/۲۷، KHAMENEI.IR).

است. افزون بر این مشاهده و تجربه تاریخی، به برکت روایاتی که در این زمینه وارد شده، باز می‌توان این امر را بهتر فهمید و دریافت که چرا در جریان اربعین به این شکل عمل می‌شود و این اتفاقات روی می‌دهد.

## اربعین حسینی؛ تمرین سربازی در قیام مهدوی

با توجه به فضا و زمینه پدید آمده در زمانه کنونی، باید به تدریج مردم آمادگی حضور در چنین حرکت‌های جدی عمومی را داشته باشند؛ یعنی باید آماده شوند که در پی امام بروند و همراه با امام قیام کنند و بجنگند و به نحوی در آن حاکمیت دینی که امام علیه السلام درصدد ایجاد آن است، مشارکت نمایند. از این جهت چنین به نظر می‌رسد که جریان اربعین زمینه خیلی جدی و متصل به قیام حضرت حجت علیه السلام باشد. بر همین اساس چنین احساس می‌شود که اکنون زمینه‌های پیوسته به ظهور حضرت حجت علیه السلام به گونه‌ای رقم می‌خورد که انسان جهانی بودن آن را به طور جدی دریافت می‌کند. در دوره‌های تاریخی پیشین چنین زمینه‌هایی در گستره جهانی وجود نداشت؛ در دوره صفویه به خاطر خلأهایی که وجود داشت، این‌گونه نبود و تنها شاه شیعی در جامعه، موجود بود. اما در عصر کنونی، انقلاب اسلامی ایران داعیه اندیشه‌های شیعی جهانی را دارد و شور و حرکتی را در اروپا، آفریقا و خاورمیانه پدید آورده است و حتی به آرامی در ذهن جهانیان این معنا مستقر شده که تنها اسلام، رقیب برای روند حاکم جهانی است.

ناگفته نماند همان‌طور که انقلاب اسلامی و امتداد آن در عصر کنونی توانست ساز و کار معنوی بسترساز برای رخداد جریان اربعین را فراهم نماید، ساز و کارهای مادی این جریان نیز در این عصر به خوبی فراهم آمده که عمدتاً همان شبکه و ساختار ارتباطات جهانی است. در برخی

روایات مربوط به عصر ظهور نیز به این ساز و کارهای مادی اشاره شده است به نحوی که بر اساس آن روایات، سهولت و گسترش دامنه ارتباطات به حدی رسیده که همه حرکت‌ها و رخدادها در افق جهانی برای همگان آشکار است و گویا جهان به دهکده‌ای تبدیل شده است.<sup>۱</sup>

بنابراین در عصر کنونی بسترهای اساسی معنوی و مادی جریان اربعین و مقدمه‌سازی پیوسته برای ظهور حضرت حجت ع‌الیه‌السلام در کنار هم فراهم آمده‌اند و اگر این نکته به خوبی فهم شود، می‌تواند حرکت جریان حق را شتابی افزون و امیدی مضاعف ببخشد. علاوه بر این، جریان اربعین نیز در گسترش دادن خود می‌تواند از این بستر مادی فراهم آمده به خوبی بهره گیرد.

### مراحل و اتفاقات بعدی در امتداد حرکت اربعین

در مورد اینکه مرحله بعد از این زنجیره زمینه‌ساز چیست، حدس‌ها و گمان‌هایی می‌توان مطرح کرد. آیا باید گفت گام بعدی، سقوط سعودی‌ها در عربستان با پیروزی یمن و یا سقوط و افول امریکاست یا سقوط و زوال اسرائیل یا اینکه حرکت بعدی مسئله بحرین است؟ این را به درستی نمی‌دانیم؛ اما با نگاهی دقیق و عمیق، چنین احساس می‌شود که این حرکت آهسته‌آهسته در حال زمینه‌سازی برای ظهور حضرت حجت ع‌الیه‌السلام است و از این جهت باید جایگاه اربعین را خیلی خوش فهمید. به دیگر

۱... قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛ از امام صادق ع‌الیه‌السلام شنیدم که فرمودند: مؤمن در زمان قائم ع‌الیه‌السلام در حالی که در مشرق است، برادر خود را که در مغرب است، می‌بیند و نیز آن کس که در مغرب است، برادر خود در مشرق را می‌بیند (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱).

بیان، باید چنین گفت: اربعین مقدمه متصل به ظهور و یک هویت بخش اجتماعی جهانی برای حرکت اجتماعی شیعیان و حق جویان در همه عالم در پی امام علیه السلام است.

### لزوم جهانی سازی جریان اربعین، خلأها و کاستی ها در این مسیر

یک خلأ اساسی در جریان اربعین، مسئله فضا سازی و جریان سازی رسانه ای در مقیاس جهانی است؛ بدین معنا که این جذابیت عظیم و ویژه هنوز به درستی به جهانیان رسانده نشده است. هرچند این جریان عظیم و اثرگذار همچون برخی دیگر از وقایع مهم، با سکوت و تحریم امپراتوری خبری غرب مواجه شده، اما جریان حق نیز در گسترش و ابلاغ این امر کاری دخور نکرده است.

مسئله اربعین تنها به شیعیان اختصاص ندارد و اگر در زمینه معرفی این جریان اقدامی شایسته صورت گیرد، این جریان می تواند به همه جهان سرایت کند و حتی می تواند همه را جذب کند و به شکلی درست به این سمت بکشاند. در این جا می توان اندیشه های امامت شیعی و در نتیجه حاکمیت الهی توسط حضرت مهدی علیه السلام را در اربعین خیلی خوش معنا کرد. در هر حال باید بستر اندیشه و نیز حرکت اجتماعی اربعین را تقویت نمود و توجه داشت که این جریان در حال رقم زدن چه امر مهمی است. هر کس این جمعیت انبوه - که حتی تا بیست میلیون هم برآورد شده است - را ببیند، به حرکت اجتماعی جهانی شیعیان پی خواهد برد. از این رو شایسته است همه تمهیدات لازم برای این جریان در حد امکان فراهم شود.



## تعطیلی هدفمند و هوشمندانه حوزه‌های علمیه در زمان حرکت عظیم اربعین

ناگفته نماند حوزه‌های علمیه از آن هنگام که اربعین با این صورت جدیدش مطرح شد، درس‌ها را پیش از اربعین تعطیل کردند تا طلبه‌ها نیز در این حرکت جهانی سهیم باشند. در مجموع این کار را، کاری خوش و شایسته باید دانست.

همچنین باید این جریان را به شکلی درست در صحنه جامعه خود و نیز در شیعیان کل جهان جا انداخت و در ادامه باید به سمت جریان‌سازی کلان اجتماعی آن برای کل جهان خیز برداشت؛ چراکه واقعاً این جریان می‌تواند آن آمادگی تدریجی برای ظهور حضرت حجت ع‌الیه‌السلام را بیش از پیش شکوفا کند؛ آن‌طور که اکنون نیز عملاً تا حدی این کار را سامان داده است.

امید است بتوانیم از زمره مجاهدان در رکاب حضرت حجت ع‌الیه‌السلام باشیم و برای اعلای کلمه الهی و برای ایجاد حاکمیت الهی توسط امام معصوم، ایشان را همراهی نماییم، ان شاء الله.